

بررسی مناسبات ایمان و امنیت در قرآن با تکیه بر نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی

صدیقه لکزایی¹

چکیده:

در این پژوهش نگارنده تلاش نموده تا به یک پرسش اساسی پاسخ دهد. از دیدگاه قرآن چه نسبتی میان ایمان و امنیت برقرار است؟ با تأمل در آیات قرآن این فرضیه مطرح شد که ایمان از طریق تحقق ارزشها در فرد و جامعه بویژه عدالت و نفی ظلم، امنیت حقیقی را تأمین می‌کند. جهت آزمون فرضیه فوق، از نظریه‌ی ادراکات اعتباری علامه طباطبایی بهره گرفته شده است. ایشان در کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم و نیز تفسیرالمیزان به شرح این نظریه پرداخته است. علامه در اعتباریات قبل از اجتماع، اصلی اساسی به نام اصل استخدام را مطرح می‌کند که باعث تشکیل اجتماع مدنی و در واقع موجب پیدایش ادراکات اعتباری بعد از اجتماع می‌شود. نظریه‌ی استخدام می‌گوید: افراد برای تأمین نیازهای اساسی و فردی خویش محتاجند که به همدیگر کمک و سود برسانند. این استخدام اجتماعی و این سود رسانی اگر به صورت یک‌طرفه باشد، عین ظلم و ناامنی اجتماعی است، اما اگر دوطرفه باشد عدالت حاکم می‌شود، حالا سؤال اینجاست که چه کنیم که استخدام به انحراف نرود و بتواند مسیر عدالت و امنیت را در جامعه طی کند؟

پاسخ این مقاله با استفاده از نظریه علامه آن است که باید به یک قانون متوسل شد. از میان همه قوانین موجود، قانون و مقررات شریعت الهی چون سازگار با نیازها و سرشت بشر است می‌تواند بهترین گزینه باشد. بهترین قانونی که ضامن تأمین عدالت و امنیت در جامعه، که در واقع خواست همه‌ی انسانها است، قانون الهی می‌باشد. پس خدا که انسان را آفریده بهتر از هر کسی از نیازهای او آگاه است لذا قانونی هم که برای او وضع نموده بهترین قانون است. بر این اساس برای تشریح قانون و اصلاح روابط میان انسانها با خود، خدا و دیگر مردم، پیامبران، ائمه و جانشینان آنها را تعیین کرد تا جامعه را در مسیر درست هدایت کنند و اصل استخدام به صورت دو طرفه و بر اساس عدالت و امنیت استوار گردد.

بنابراین بهترین ضمانت اجرای عدالت، امنیت و ... ایمان به خداوند و قانون الهی می‌باشد

واژگان کلیدی:

ادراکات اعتباری، ایمان، امنیت، عدالت، قانون.

1- عضو هیات علمی دانشگاه زابل.

طرح مسأله:

دین اسلام با محوریت قرآن در بر دارنده اصولی منسجم و هماهنگ و ناظر به زندگی فردی و اجتماعی انسانها می‌باشد. در جوامع امروزی و در مقایسه با مکاتب و مسالک عصر حاضر متأسفانه مباحث قرآنی آن چنان که شایسته است مورد توجه و کنکاش واقع نشده است. علاوه بر این، بحث‌ها و پژوهش‌هایی هم که انجام می‌شود و عموماً ذهنی، اعتقادی و دور از حیطة تأثیر عملی - عینی و خصوصاً اجتماعی است. از این رو نسبت به زندگی جمعی انسانها، چگونگی شکل و اداره جامعه نیز تعهدات و تکالیف متقابل انسان نظریه‌ای روشن ارائه نشده است.

به سخن دیگر آنکه پژوهش‌های قرآنی در بیشترین موارد سهمی در روشنگری و راه‌گشایی نیافته و به جای آن دقت‌ها و تعمقات شبه عقلی یا روایات و منقولات ظنی و یا با اعتباری بیشتر میدان‌دار و مسئول شناخته شده است. در نتیجه بسیاری از تفکرات جدا از قرآن و بی‌اعتنا به آن نشو و نما یافته است. شاید همین بی‌ارتباطی و بی‌اعتنایی یا احساس بی‌نیازی یا نومی‌دی از امکان استفاده‌ای صحیح از هر یک، به نوبه خود معلول عواملی خاص است و موجب شده که به جای تدبر و تفکر، نیز استخراج راه‌کارها و برنامه‌های زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... جای خود را به قرائت و تلاوتی سطحی، سرسری، فاقد نتیجه و در جهت ثواب و اجر اخروی بدهد. این عوامل دست به دست هم داده تا این کتاب‌الهی و زندگی‌ساز دست‌مایه عوامی‌ها شده است. لذا به نظر می‌رسد با توجه به این واقعیت‌ها سه خصوصیت در مباحث اسلامی و قرآنی مورد توجه متفکران قرار بگیرد:

الف: معارف و دستگاه فکری اسلامی از تجرد و ذهنیت محض خارج شده و همچون همه مکاتب اجتماعی ناظر به تکالیف عملی و بویژه زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... باشد؛

ب: مسائل فکری اسلام به صورت پیوسته و به عنوان اجزاء یک واحد مورد مطالعه واقع شود و هر یک به لحاظ آنکه جزیی از مجموعه‌های دین و بر این بنا استوار است، طرح کلی و همه‌جانبه‌ای از دین به صوت یک ایدئولوژی کامل و بی‌ابهام و دارای ابعادی

متناسب با زندگی چندبعدی انسان استنتاج شود؛

ج: در نهایت در استنباط و فهم این اصول اسلامی مدارک و متون اساسی دین اسلام اصل و منبع باشد نه سلیقه‌ها و نظرهای شخصی یا اندوخته‌های ذهنی و... با این توجه، آنچه در این پژوهش آمده، بررسی و کاوشی است در قرآن، پیرامون ارتباط ایمان و امنیت و نسبتی که بین این دو مفهوم برقرار است. فرضیه‌ای که در نظر گرفته شده از این قرار است: با توجه به این که انسان موجودی اجتماعی است، اگر به خدا ایمان بیاورد و در جهت اجرای شریعت و عمل به دستورات خدا قدم بردارد، که مهمترین آن اجرای عدالت و نفی ظلم است، امنیت حقیقی در جامعه انسانی برقرار می‌شود. وقتی که انسان ایمان می‌آورد و دعوت حق را قبول می‌کند در واقع در سه سطح به خودسازی پرداخته است، سطح اعتقادات و باورها، سطح عمل و رفتارها و در نهایت کسب فضائل و دفع رذایل. در این جا ایمان پشتوانه و ضمانت اجرایی برای اخلاق فاضله می‌گردد. جامعه‌ای که انسانهای مؤمن دارد. این انسانها هم خودشان امنیت دارند و هم در اجتماع امنیت‌ساز هستند. همچنانکه قرآن می‌فرماید:

(الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ)

«آنها که ایمان آورده‌اند و ایمان خود را به ظلم نیالوده‌اند، برای آنها امنیت است و آنها هدایت‌یافتگان هستند». (سوره انعام، آیه 82).

برای بررسی و آزمون این فرضیه از نظریه علامه طباطبایی بهره گرفته شده. علامه نظریه‌ای دارد با عنوان ادراکات اعتباری، که در ادامه مطلب به تبیین مختصر این نظریه می‌پردازیم.

نظریه ادراکات

از نظر علامه ما با دو نوع علوم و ادراکات روبرو هستیم، یکی علوم و ادراکات حقیقی که ما به ازاء خارجی دارند و از واقعیت گزارش می‌دهند و دیگر ادراکات و علوم اعتباری که در حقیقت ساخته قوای ادراکی انسان بوده و در مقابل ادراکات حقیقی قرار دارند. در واقع ادراکات اعتباری فرض‌هایی است که ذهن به منظور رفع احتیاجات حیاتی

آنها را ساخته و جنبه وضعی، قراردادی، فرضی و اعتباری دارد از واقع گزارش نمی دهند، بلکه در واقعیت‌ها تصرف می کنند. هم چنان که آمد محور بحث ما نوع دوم یعنی ادراکات اعتباری است.

بر اساس این نظریه، نظام طبیعت انسان را به گونه‌ای قرار داده است که برای تصرف در جهان خارج و تعامل با آن بر اساس ادراکات اعتباری عمل می کند، نیز انسان که مدنی بالطبع است به وسیله همین ادراکات اعتباری با افراد جامعه تعامل برقرار می کند و نیازهای خویش را برطرف می سازد. اعتباریات در واقع محصول اندیشه صاحبان فکر است که به منظور و هدف خاصی صورت می گیرد. در واقع مفاهیم اعتباری همانگونه که علامه می گوید زائیده نیازهای حیاتی و روابط اجتماعی بشر است. همانگونه که فرد انسان قطع نظر از روابط و مناسبات انسانی و اجتماعی هیچ نیازی به این قراردادها ندارد. به طور کلی علامه اعتباریات را به دو قسم قبل از اجتماع و بعد از اجتماع تقسیم می کند. اعتباریات گروه نخست اقسامی دارند که عبارتند از: وجوب، حسن و قبح، انتخاب اخف و اسهل، اصل استخدام، که در همه انسانها به طور عمومی وجود دارد. اما اعتباری بعد از اجتماع برای نظم دادن به روابط اجتماعی به وجود آمده اند، مثل ملک، تساوی طرفین، امر و نهی، ریاست و مرئوسیت و که این اعتباریات ساخته انسان می باشد و در جهت بهتر زندگی کردن وضع شده است، لذا متغیر می باشد. در نظریه ادراکات اعتباری انسان بر اساس اصل استخدام در صدد بهره‌برداری از جهان پیرامون است و از این رو است که به تشکیل اجتماع می رسد. قریحه استخدام می گوید انسانها برای اینکه از این جهان سود و فایده کسب کنند باید سود و فایده برسانند و این یک اصل یک طرفه نیست و حتی در مورد امور مادی هم این قضیه صدق می کند.

پس تا اینجا روشن گردید که هر انسانی دارای قریحه‌ای است که می خواهد انسان‌های دیگر را استخدام کند. حال اگر این نکته را ضمیمه کنیم که افراد انسانها به حکم ضرورت از نظر خلقت، عادات، رسوم و اخلاقی که مولود خلقت و نیز منطقه زندگی است، مختلفند، نتیجه‌ای که حاصل می شود این است که اختلاف طبقات همواره یک

اجتماع صالح و عدالت اجتماعی را تهدید می‌کند. بر اساس نظریه استخدام و قاعده اخف و اسهل هر فرد و یا گروه قوی می‌خواهد از ضعیف بهره‌کشی کند و بیشتر از آنچه به او می‌رسد و حق اوست را تصاحب کند و یا به عبارتی فرد غالب می‌خواهد از مغلوب بهره‌کشی کند و بیگاری بکشد. بدون این که چیزی به او بدهد و مغلوب هم به حکم ضرورت مجبور می‌شود در مقابل ظلم غالب دست به حيله و خدعه بزند، تا روزی که به قوت برسد، آن وقت تلافی و انتقام ظلم ظالم را به بدترین وجهی بگیرد. پس بروز اختلاف سرانجام به هرج و مرج منجر شده و انسانیت انسان را به هلاکت می‌کشاند. یعنی فطرت او را از دستش گرفته سعادتش را تباه می‌سازد و جامعه را با بحران مواجه می‌سازد. هم‌چنان- که خداوند می‌فرماید:

(كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً... وَ مَا اٰخْتَلَفَ فِيْهِ). (سوره بقره، آیه 213)

پیدایش اختلاف بود که بشر را ناگزیر از تشریح و وضع قوانین کرد. قوانینی که عمل به آنها باعث رفع اختلاف شده و نظم را برقرار سازد. نیز هر صاحب‌حقی به حشش برسد و امنیت و عدالت را تضمین نماید. از این روی قانونگذاران را ناگزیر کرد که قوانین خود را بر مردم تحمیل کنند. در عصر حاضر راه تحمیل قوانین بر مردم جامعه یکی از دو طریق زیر است.

راه‌های اعمال قانون در جامعه:

اول این که مردم را مجبور و ناچار کنند تا قوانین موضوعه را که به منظور شرکت دادن همه طبقات در حق حیات و تساوی آنان در حقوق وضع شده را بپذیرند، تا آنکه هر فردی از افراد به آن درجه از کمال زندگی که لیاقت آن را دارد برسد، حال چه این که معتقد به دینی باشد یا نباشد، چون این طریقه از تحمیل، دین و معارف دینی و اخلاق فاضله را بکلی لغو می‌کنند، به این معنا که این عقاید الهی را منظور نظر ندارند، و رعایتش را لازم نمی‌شمارند هم‌چنین اخلاق را هم تابع اجتماع و تحولات اجتماعی می‌دانند و هر خلقی که با حال اجتماع موافق بود آن را فضیلت می‌شمارند. مثلاً یک روز عفت از اخلاق فاضله به شمار می‌رود، و روز دیگر بی‌عفتی و بی‌شرمی، روزی راستی و درستی فضیلت

می‌شود، و روزی دیگر دروغ و خدعه، روزی امانت، و روزی دیگر خیانت و... .
 طریقه دوم تحمیل قوانین آموزش مردم است. یعنی مردم را طوری تربیت کنند که خود به خود قوانین را محترم و مقدس بشمارند. در نوع دوم می‌توان از طریق آموزش و پرورش دو نوع جامعه را تصویر کرد؛ اول جامعه‌ای که بر اساس انسان محوری است و فقط توجه به بعد مادی و دنیایی انسان دارد، که نمونه‌های آن امروزه فراوان است، مثل جوامع و مکاتب لیبرال و غربی که بر اساس نظریه سکولاریستی و عرفی شدن ارزشها، برای دین و معنویات ارزش قائل نیستند و به تعبیر قرآن نمونه جوامع طاغوتی هستند. اما نوع دوم جامعه می‌تواند بر اساس تعالیم و دستورات الهی بنا شده و آموزش مردم هم بر اساس تعالیم الهی و در بر دارنده دو بعد مادی و معنوی انسان بنا شود. این جامعه به تعبیر قرآن جامعه الهی است و در واقع به هر دو نیاز انسان که جسمانی و روحانی است توجه دارد. از میان این دو نوع قانون که یکی تنها از راه زور و دیکتاتوری قانون را به خورد مردم می‌دهد، و دومی از راه آموزش و تربیت اخلاقی، علامه، نوع دوم را می‌پذیرد و البته از نوع دوم هم توجه به جامعه الهی و دینی داشته و لذا معتقد است، چون انسان موجودی است که خدای تعالی او را آفریده لذا هستیش وابسته و متعلق به خداست، از خدا آغاز شده، و به زودی به سوی او بر می‌گردد، لذا خدای سبحان انسانها را بهتر از خود انسانها می‌شناسد، چون خالق آنان است. از این رو شرایع و قوانینی برای آنان تأسیس کرد، و اساس آن را بر توحید استوار نمود، در نتیجه این شریعت هم عقاید بشر را اصلاح می‌کند، هم اخلاق آنان و هم رفتارشان را. به عبارتی دیگر اساس قوانین خود را بر این قرار داد که نخست به بشر بفهماند حقیقت امر او چیست؟ از کجا آمده؟ به کجا می‌رود؟ و اگر می‌رود باید در این منزلگاه موقت چه روشی اتخاذ کند که برای فردایش سودمند باشد؟ پس تشریح دینی و تقنین الهی شریعتی است که اساسش تنها علم نیست بلکه یقین و عمل نیز در آن وجود دارد. همچنان که فرموده است:

إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ.
 (یوسف، 40)

بنابراین تنها قانونی که می‌تواند به نیاز انسانها پاسخ دهد و سعادت، عدالت و امنیت را برای وی در دنیا و آخرت بر اساس جهانبینی توحیدی فراهم کند، همان قانونی است که از جانب آفریدگار و خالق انسانها وضع شده است، چرا که خداوند به دلیل این که خالق انسانهاست یقیناً از نیازهای او بیش از هر شخص دیگری آگاه است. لذا استخراج و بکارگیری این قانون می‌تواند انسانها را به اهدافشان برساند. خداوند با مخاطب قرار دادن انسان برای اجرای شریعت و نیز ارائه برنامه‌های مدون در قالب عقاید و احکام و بیان نوع حکومت و جامعه، عدالت و امنیت را که نیاز عمومی بشر است را به آنان هدیه می‌دهد. اسلام با محور قرار دادن اصل توحید و ایمان به خدا و در نتیجه کسب اخلاق حسنه ضمانت اجرای احکام الهی را علاوه بر نظام اسلامی بر عهده جامعه و افراد جامعه قرار داده است، بنابراین اگر جامعه از ایمان به خدا برخوردار باشد استخدام یکطرفه نخواهد بود و عدالت در میان آدمیان اجرا می‌شود و در پی آن امنیت نیز در جامعه حاصل می‌شود.

تحلیل ایمان و امنیت بر اساس نظریه علامه

در این قسمت به بررسی رابطه ایمان و امنیت می‌پردازیم. در ابتدا به نظر می‌رسد برای تبیین بهتر این دو مفهوم تعاریفی از هر کدام ارائه شود.

مفهوم ایمان

ایمان مصدر باب افعال از ماده «امن» به معنای ایجاد اطمینان و آرامش در قلب خویش یا دیگری است. دستیابی انسان به آرامش و اطمینان با اعتقاد به خدا و تصدیق او احتمالاً سبب استفاده از «امن» برای مفهوم ایمان بوده است. مشتقات «امن» قریب نهمصد بار در قرآن به کار رفته است که در موارد فراوانی در ساختار باب افعال و با عبارت «الذین آمنوا» است. مراد از این گروه در بیشتر موارد مسلمانان به معنای خاص، پیروان دین اسلام‌اند. (سوره بقره، آیه 183 و 104 و 82).

با توجه به این که قرآن کریم آیاتی را که به موضوع ایمان پرداخته به گروه‌های متعددی دسته‌بندی کرده است، اما این مقاله در راستای بررسی فرضیه تنها به نظر و تعریف

علامه در تفسیر میزان بسنده می‌کند. ایشان تعریف ایمان به تصدیق را نمی‌پذیرد و التزام عملی دست کم به برخی لوازم ایمان را لازم می‌شمارد. او به آیاتی استناد می‌کند که در آنها به پیوستگی ایمان و عمل صالح اشاره شده است. (بقره، 25 و 62 و 82) از نظر او فرد در صورتی مؤمن خوانده می‌شود که فی‌الجمله به ایمانش عمل کند. البته وی این واقعیت را می‌پذیرد که ممکن است کسی به چیزی ایمان داشته باشد، اما به برخی از لوازم فرعی آن پایبند نباشد. (المیزان، جلد 15، ص 6) از این رو است که علامه در تفسیر میزان معتقد است، ایمان به مفهوم عمل به دستورات الهی است و این عمل به فرامین الهی شکل دهنده و اصلاح کننده اعتقاد، اعمال و رفتار در انسانها می‌شود. و این چنین ایمانی موجب می‌شود که روابط میان انسانها براساس امنیت - عدالت و نه ظلم شکل بگیرد و رابطه استخدام به صورت دو طرفه باشد. وقتی روابط بر اساس ایمان به خدا شکل گرفت قطعاً عدالت و امنیت و ... را نیز در اجتماع بوجود می‌آورد. اما اگر ایمان به خدا در جامعه و افراد آن نباشد، هیچ تضمینی برای عادلانه بودن روابط وجود ندارد.

مفهوم امنیت

امنیت در عربی از مصدر جعلی از ریشه «امن» به معنای در امان بودن، ایمنی و آسودگی و از بین رفتن هراس و نگرانی است. (مفردات، ص 90)

مفهوم امنیت و مفاهیمی از این قبیل با توجه به انتزاعی بودن و نیز فلسفه آفرینشی که هر مکتب یا ایدئولوژی برای انسان تعریف می‌کند، متفاوت است، انسان امنیت را برای حفظ ارزشهای حیاتی می‌خواهد. اما این که چه «ارزش‌هایی حیاتی» است و چه مرجعی آن را مشخص می‌کند، محل نزاع است. اغلب جنگها و درگیریها هم برای رسیدن به همان هدف اصلی و غایت الغایاتی است که هر مکتبی برای خود تعریف می‌کند.

در جهان‌بینی اسلامی که با پیامبر اسلام شروع می‌شود، ایشان از آغاز بعثت، میان ایمان به خدا، فلاح و رستگاری که امنیت نیز از مشتقات آن است ارتباط برقرار کرده و فرمود: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا»

در همین راستا با توجه به آیات قرآن این تعاریف از امنیت بدست می‌آید.

- اولین تعریفی که از امنیت در قرآن، به آن اشاره شده است. آسایش، اطمینان و زندگی بدون ترس و هراسی بود که خداوند آن را برای آدم و حوا در آغاز آفرینش آنان در بهشت فراهم کرد و به آنان فرمود:

(وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا)؛

«و گفتیم ای آدم تو با همسرت در بهشت سکونت کن و از نعمتهای آن از هر جایی که بخواهید گوارا و در آسایش بخورید». (بقره 35)

دومین تعریف در قرآن از امنیت، زندگانی بدون ترس و اندوه برای کسانی است که در این دنیا ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّالِحِينَ وَالنَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (بقره، 62). کسانی که به اسلام ایمان آورده‌اند و کسانی که به دین یهود گرویده‌اند و نصاری و صابثان، هر گاه به خدا و روز رستاخیز ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند پاداششان نزد پروردگارشان هست و هیچ گونه ترس و اندوهی برای آنان نیست.

برای این گروه در دنیا و آخرت امنیت وجود دارد. زیرا در زمانی که تمام ملت‌های خداپرست و صاحبان ادیان به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشند و جز کارهای شایسته از آنها سر نمی‌زند و در این دنیا امنیت و آسایش سراسر کره خاکی را فرامی‌گیرد.

سومین تعریف از امنیت در قرآن، نشان دادن شهر امن است. که برای نمونه و الگو بیان گردیده است. شهری که در آن امنیت و آسایش است و روزی گوارای اهل آن از همه جا می‌رسد:

"وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ." «خداوند به عنوان الگو و نمونه شهری را نشان می‌دهد که دارای امنیت و آسایش است و همواره روزیش گوارا و گسترده از هر جا می‌رسد». (نحل، 112)

بنابراین از نظر قرآن امنیت مفهومی وسیع و فراگیر است و افزون بر موارد ایمنی از عذاب الهی در آخرت، در دوسطح روانشناختی و جامعه‌شناختی نیز دارای اهمیت است.

در سطح نخست به آرامش روحی افراد و در پی آن کسب مدارج معنوی آنان ارتباط پیدا می‌کند که از حوزه اصطلاحی امنیت در علوم اجتماعی بیرون بوده و به موضوع آرامش و اضطراب در روانشناسی ارتباط دارد. و در یک مفهوم کلی امنیت درونی و ذهنی را شامل می‌شود. در سطح دیگر امنیت با گونه‌های فراوان خود ابعاد گوناگون زندگی فردی، اجتماعی سیاسی و اقتصادی را شامل می‌شود و با اقتدار، انسجام و وحدت جامعه پیوند دارد.

همراه بودن امنیت با آفرینش انسان و توجه شدید وی به این نیاز آن را در ردیف نیازهای فطری بشر در آورده و همان گونه که آمد علامه نیز عدالت و امنیت را در نظریه ادراکات اعتباری از جمله نیازهای قبل الاجتماع یا عمومی می‌داند که همواره انسان در پی رسیدن به آن بوده است. ادراکات اعتباری قبل از اجتماع نیاز به قشر خاص و یا زمان خاصی ندارد. و عمومی بودن نظریه ادراکات اعتباری قبل از اجتماع نیز بیانگر همین مطلب است. در واقع همه انساها خواهان بر آورده شدن این نیازها و ضروریات زندگی هستند. فقه شیعه که برگرفته از قرآن و سنت است از آن جایی که از سوی خالق و بوجود آورنده انسان است با فطرت و نیازهای او سازگاری و تناسب کامل دارد. فقه انسان را با تمام نیازمندی‌هایش در نظر گرفته و برای رسانیدن او به اوج کمال و سعادت تلاش نموده است. فقه اسلامی مسیر زندگی واقعی انسان را که بر اساس مصالح و منافع واقعی و به اقتضای آفرینش او پایه‌گذاری شده است ترسیم می‌کند و بر این پایه است که فقه نیاز به امنیت را همانند دیگر نیازهای ضروری بشر در نظر گرفته و در تمام احکام و ابعاد آن کارایی دارد.

عمل به دستورات خداوند و دقت در احکام صادره، این حقیقت را نمایان می‌سازد که برای بشر امروز و تألماتی که دارد، اساساً هیچ امکان دیگری برای رسیدن به امنیت و آسایش چه در بعد روحی - روانی و چه در ابعاد سیاسی - اجتماعی و... نیست جز رو آوردن به احکام و دستورات الهی.

فرضیه‌ارائه شده این بود که، وقتی ایمان در جامعه‌ای با شرایط آن یعنی اعتقاد به اصول اعتقادی خاص و عمل به دستورات، عدالت را به ارمغان می‌آورد که این عدالت پایه

و اساسی برای حضور و وصول امنیت در جامعه شود. پس در جامعه‌ای که ایمان حاکم باشد و دستورات شریعت در آن به اجرا درآید این جامعه عدالت و امنیت را دارد و زمینه‌های فلاح و رستگاری انسان و آرامش روحی، روانی و اجتماعی در آن حاکم است. همچنان که قرآن آرامش و آسایش و امنیت را فقط در سایه ایمان به خدا می‌داند و در جای جای قرآن افراد با ایمان را مورد لطف قرار داده و می‌فرماید:

"إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِقُونَ وَالنَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ". (بقره، 62. همچنین نک: مائده، 69؛ انعام، 48؛ اعراف، 49؛ یونس، 62/63).

امنیت دارای ابعاد گسترده‌ای است و با توجه به نظریه ادراکات اعتقاری علامه عدالت و امنیت همواره در جوامع با خطر مواجه بوده و عده‌ای بودند که بر اساس اعتبار اخف و اسهل در جهت رسیدن به منافع خود از راه‌های ساده‌تر، که در واقع موجب بی‌عدالتی و سلب امنیت برای دیگران اعم از فرد یا اجتماعات دیگر می‌شد به اهداف خود برسند. در این بخش از بحث سعی بر این است که ارتباط ایمان و امنیت، نیز راهکارهای ایجاد امنیت در جامعه را با دقت در قرآن و استفاده از نظریه علامه بررسی نموده و در واقع صحت و یا نادرستی فرضیه ارائه شده را به آزمایش بگذاریم.

نگرش‌ها در رابطه ایمان و امنیت

ایمان و امنیت را طبق یک تقسیم بندی به چهار وضعیت می‌توان تصور کرد. (اصغر افتخاری، «امنیت در اسلام»، فصلنامه علوم سیاسی، تابستان 85، ش 34). که نگارنده آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد. این تقسیمات به این صورت هستند:

امنیت سازی ایمان: در این رابطه به طرح و بررسی کارکردهایی از ایمان پرداخته می‌شود که انسان را در تقویت ضریب ایمنی‌اش یاری می‌رساند. ایمان در این وضعیت کارکردهای متعددی دارد. از حیث روان‌شناختی به فرد اعتماد به نفس می‌بخشد، لذا مانع یأس و ناامیدی و تولید کننده امید به آینده است. این گونه ایمان قدرت نرم تولید می‌کند و باعث افزایش قدرت انسان در عرصه عمل نیز می‌باشد. ایمان احساس امنیت تولید

می‌کند و این بعد را پوشش می‌دهد.

در این قسمت کارکردهایی برای ایمان ارائه می‌شود که جنبه درونی امنیت را تأمین می‌کند. در حالی که ایمان دارای کارکردهای فراوان عینی و اجتماعی می‌باشد. مسأله‌ای دیگر این که همین احساس امنیتی که بوجود می‌آید در چه فضا و محیطی حاصل می‌شود، آیا صرف داشتن ایمان کافی است یا شرایط خاصی نیاز است که افراد و جامعه به چنین احساسی برسند؟

امنیت سوزی ایمان: التزام به اصول ایمانی در عرصه عملیاتی پیوسته تولید امنیت نمی‌کند. دلیل این امر، عدم مساعد بودن محیط بیرونی برای پذیرش ایمان و تبعات ناشی از آن است. با بررسی تاریخ مکاتب الهی و حتی نحله‌های ایمانی بشری ملاحظه می‌شود که، مؤمنان به دلیل ایمانشان دچار مصائب و مشکلاتی شده‌اند و آن به کاهش ضریب ایمنی‌شان منتهی شده است و این طور نیست که ایمان صرفاً تولید امنیت کرده باشد. گرچه ذات و گوهره ایمان در (گفتمان توحیدی) تولید کننده امنیت حقیقی ارزیابی می‌شود، اما می‌توان حالاتی را نیز تصور کرد که ناامنی حاصل می‌شود. به عنوان نمونه، جریان‌های غیر ایمانی همچنین رابطه‌ای که بین ایمان و آزمایش‌های الهی وجود دارد، "أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ" (عنکبوت آیه 15) آیا مردم گمان کرده‌اند، همین که بگویند: ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟" لذا ایمان در مقام تصدیق به فتنه آزموده گردد و البته این کاری دشوار است. پس می‌توان نوعی امنیت سوزی را از این ناحیه تصور کرد.

اگر ما تعریف قرآن از امنیت را بپذیریم، ایمان در هر شرایطی امنیت ساز است. حتی آزمایش‌ها و امتحانات الهی هم در افزایش ضریب امنیت است، به نظر نگارنده در صورتی این نظریه می‌تواند درست باشد که ما تصورمان این باشد که، ایمان فقط امنیت اجتماعی تولید می‌کند بدون اینکه بعد روحی - روانی امنیت در نظر گرفته شود. به عنوان مثال در صدر اسلام کسانی بوده‌اند که چه بسا امنیت اجتماعی نداشته و مجبور بوده‌اند که پنهان شوند یا کارهای دیگری مثل تقیه انجام دهند، اما به لحاظ روانی از آرامش و ثبات

برخوردار بوده و از این روی توانسته‌اند که خدمات علمی و اسلامی ارزنده‌ای را منتقل کنند. مؤید این مطب و نمونه آشکار آن پیامبران، امامان معصوم نیز مؤمنانی هستند که در سخت‌ترین شرایط اجتماعی هم به وظایف خود عمل نموده و دارای آرامشی الهی بوده‌اند. لذا اگر افراد یک جامعه از ایمان خوبی برخوردار باشند. هم به لحاظ روحی و هم به لحاظ اجتماعی و عینی امنیت دارند. و جامعه‌های دینی چون بر پایه ایمان به امنیت رسیده‌اند با توجه به مکانیزم‌های موجود در دین همواره امنیت دارند. اما در جوامع غیر دینی چون امنیت پایه خاصی ندارد هر آن امکان از بین رفتن امنیت وجود دارد.

ایمان سازی امنیت: از آنجا که امنیت نیازی اصیل و فطری به شمار می‌آید احتمال اینکه بهره‌مندی از آن بتواند دلیل روشن و قاطع بر نیاز انسان به خدای متعال باشد اصلاً ضعیف نیست. وقتی انسان درک کند که امنیت واقعی جز از ناحیه قدرتی برتر در این دنیای فانی و پر بلا حاصل نمی‌آید به راحتی می‌تواند ایمان بیاورد در این نگاه امنیت پلی برای نیل به ایمان می‌شود، آنجا که خداوند می‌فرماید: "الَّذِي أَطَعَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ" قریش، 4. و یا در حدیثی از معصوم آمده است: دنیا همانند کراهی است که تیرهای بلا از هر سوی به جانب آن روانند پس گریزگاه کجاست؟ که در پاسخ فرموده‌اند فقط به سوی خدا پناه ببرند. در نتیجه امنیت می‌تواند ایمان سازی نماید.

در این مورد هم، همیشه این گونه نیست که امنیت ایمان تولید کند در خیلی از موارد نتیجه عکس داشته و موجب از بین رفتن ایمان شده است؛ نیز در این تعریف درک و فهم منجر به ایمان می‌شود در حالی که مقابل علم، جهل قرار دارد و مقابل ایمان، کفر. یعنی می‌شود فرد به مطلبی علم داشته باشد ولی ایمان نداشته باشد و نمونه‌ها بیش را به خصوص در این دوران به وفور مشاهده می‌کنیم. حدیثی هم که به عنوان نمونه آورده می‌گوید: به سوی خدا پناه ببرید تا در امان باشید. در واقع باز هم گرایش به سوی خدا و نزدیکی به او امنیت سازی می‌کند. نیز با توجه به آیه مورد استناد، "الَّذِي أَطَعَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ" قریش، 4. وقتی ما بتوانیم بگوییم امنیت، ایمان تولید می‌کند، باید بتوانیم بگوییم رفع گرسنگی هم ایمان تولید می‌کند. حال آنکه قرآن استغنا و بی‌نیازی، یا به عبارتی

امنیت، آسایش و نعمت را علت از بین رفتن و سوختن ایمان مطرح فرموده است، که نسبت چهارم بیانگر همین مورد است.

ایمان سوزی امنیت: امنیت به ضعف و زوال ایمان از ناحیه امنیت دلالت دارد که به دلیل شکل گیری وضعیت استغنا و آرامش مطلق در انسان پدید می آید. "إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ" (سوره انسان، 1-2) "ای انسان بی‌گناهی آن رءاء استغنی ... علق، 6 و 7" مطابق حدیث الهی در احوال امم قبلی کسانی بودند که چون به نعمت امنیت رسیدند به خود غره شده و خدای خود را از یاد بردند، نتیجه امر عذاب الهی بوده است. لذا نیل به امنیت مطلق و رهایی از تمامی دغدغه‌ها، می‌تواند نوعی خطر برای انسان ضعیف باشد. به همین دلیل مراجعه به سوی خدا پیوسته توصیه شده است. در یک جمع‌بندی به نظر می‌رسد، این گونه نیست که ایمان علت امنیت و متقابلاً امنیت علت ایمان. در این تقسیم‌بندی نوعی تزلزل و نگاه نسبی به رابطه ایمان و امنیت حاکم است و نقاط اشتراک و افتراق‌ها مهم است نیز بیشترین تأکید بر امنیت ذهنی بوده و ابعاد عینی و اجتماعی مغفول واقع شده است.

با این توضیحات نگارنده نسبت قوی‌تری را میان ایمان و امنیت حاکم می‌داند و آن نسبت علت به معلول است. بدین معنا که یکی از علل وجود امنیت فرد و یا جامعه، حضور ایمان است. اگر جامعه ایمان داشته باشد امنیت در آن به وجود می‌آید. لذا هر جایی ایمان باشد امنیت نیز خواهد بود و ایمان علت وجود امنیت است. (نورالدین شریعتمداری جزایری: پیشین، ص 17) و این ضرورت ایمان به خدا را در جامعه روشن می‌نماید و با توجه به هدفی که جوامع دینی دنبال می‌کنند، اهداف دیگر در جهت رسیدن به آن هدف بزرگ سازمان می‌یابند. از آن جایی که امنیت مطلق و رهایی از دغدغه‌های روحی، روانی و اجتماعی برای انسان از بزرگترین مواهب و نیاز اساسی است به نظر می‌رسد بهترین راه حل برای داشتن امنیت دنیوی و اخروی مراجعه به سوی خدا و ایمان به او باشد. امری که پیوسته توصیه شده است. برای تبیین و توضیح با مراجعه به قرآن این موارد را بیان نمود:

"الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ" کسانی که

ایمان آورده‌اند و آن را به ظلم آلوده نکردند، برای آنها ایمنی و امنیت است. انعام، 82.

"وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا" خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که آنها را قطعاً حکمران روی زمین خواهد کرد همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دینی را که برای آنان پسندیده پا برجا خواهد کرد و ترسشان را به امنیت و آسایش مبدل می‌کند آن چنان که تنها مرا بپرستید و چیزی را شریک من قرار ندهید. نور 55.

در فرهنگ اسلامی ایمان هم پایه امنیت است و هم هدف آن. ایمان پایه امنیت است از این جهت که آرامش و امنیت اصلی، واقعی و حقیقی در گرو ایمان است. (أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ. رعد 28). یاد خدا به انسان آرامش می‌دهد و این رابطه در حیطه امنیت فردی از سویی می‌تواند به لحاظ روحی و روانی فرد را به آرامش برساند و از سوی دیگر جایگاه حقیقی خود را در این هستی پیدا کند. زیرا هویت فلسفی انسان در گرو درک درست انسان از جایگاه خود در هستی است. نیز با فلسفه آفرینش خود که در متون اسلامی به خوبی تبیین شده واقف گردد.

"وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ" (ذاریات، 56).

ایمان هدف امنیت است. زیرا برخی از انواع و سطوح امنیت ابزار ایمان تلقی می‌شود. و زمینه ساز ایمان به خدا است. اگر امنیت نباشد بندگان خدا نمی‌توانند خدا را عبادت کنند. توجه به ابعاد امنیت توسط دولت اسلامی چه به لحاظ فردی نیز اجتماعی از ضرر-وریات زندگی بشر است و اگر نباشد فعالیت‌های فکری، فرهنگی و ترویج احکام الهی مختل می‌شود. لذا فراهم نمودن یک محیط امن موجب گسترش ایمان به خدا می‌شود. پس زمانی که ابزارهای امنیتی، موانع توجه و قرب الهی را از سر راه مردم بر می‌دارند به تقویت و گسترش ایمان مدد می‌رسانند. خداوند می‌فرماید:

"يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ". اعراف / 157.

برداشتن موانع فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... کانون مبارزه اولیاء الهی بوده

است.

جمع بندی

تمایز اساسی دولت اسلامی با دولت غیر اسلامی در این است که، دولت اسلامی علاوه بر کارکرد عمومی تمام دولت‌ها به دنبال تحقق و تأمین اهداف و آرمانهای الهی است. هر چه ایمان در جامعه افزایش پیدا کند و مردم مراحل بیشتری از درجات ایمان را طی کنند به این هدف نزدیک‌تر می‌شوند. دولت اسلامی با دولتهای غیر دینی و دولت‌هایی که در جست‌وجوی قدرت، آزادی هستند و امنیت را برای به دست آوردن آزادی می‌خواهند، یا در جست‌وجوی اهداف دیگری هستند، امنیت ابزاری است برای نیل به آن هدف. یا حتی ممکن است امنیت خودش هدف باشد. در نظام اسلامی عدالت، قدرت، آزادی و امنیت تماماً جزء اهداف مقدماتی و متوسط محسوب می‌شوند که می‌خواهند به هدف اصلی (قرب به خدا) کمک کنند. لذا می‌گوییم امنیت بدون ایمان، امنیتی است که هدف حکومت طاغوت است. بر اساس همین نظر است که بسیاری از انسان‌ها حاضرند در جهت حفظ هدف والای خود که همانا ارزش‌های الهی است جانشان را نیز فدا کنند و این در حالی است که برای هر انسانی امنیت جان و حفظ آن یک امر مهم و حیاتی می‌باشد. این برمی‌گردد به اعتقاد هر مکتب و ملتی. بر این اساس است که خداوند هشدار می‌دهد که اگر ایمان آن‌طور که خداوند فرموده در جامعه اسلامی رعایت شود، امنیت همه جانبه برقرار می‌شود. لذا لازم است که جامعه اسلامی از امنیت همه جانبه مبتنی بر ایمان برخوردار باشد، تا بتواند در مسیر سیر الی الله موفق شود.

برترین دلیل برای امکان گزارهای ذکر شده وجود امنیت روانی و اجتماعی در در قصص گذشتگان است، امام حسین (ع) در روز عاشورا هر چه به لحظه شهادت نزدیک می‌شدند، چهره‌شان نورانی‌تر و بشاش‌تر و آرام‌تر می‌شد. ابراهیم (ع) به اتکای چه نیرویی وارد آتش شد و احساس ناامنی نکرد، حضرت موسی با چه اطمینانی و بدون ترس به همراه اصحابش دل به دریا زد و نمونه بارز آن پیامبر اسلام که وقتی خود یا مؤمنان نگران می‌شدند تنها به خدا پناه می‌بردند. و چیزی جز وعده‌های الهی به آنها آرامش نمی‌داد.

"أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ" آیا پنداشته‌اید در حالی که هنوز حادثه‌هایی مانند حوادث گذشتگان شما را نیامده، وارد بهشت می‌شوید؟ به آنان سختی‌ها و آسیب‌هایی رسید و چنان متزلزل و مضطرب شدند تا جایی که پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده بودند می‌گفتند: یاری خدا چه زمانی است؟ آگاه باشید! یقیناً یاری خدا نزدیک است. بقره، 214

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنصَرُوا لِلَّهِ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ" محمد 7. مؤمنان، اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را محکم و استوار می‌سازد. بر همین اساس سازوکارهای تأمین امنیت در اسلام متفاوت از دیگر نظامها و جوامع خواهد بود. در واقع در این نظام پیوستگی عمیقی میان نظام باورها، رفتارها، نظام محمل‌ها و ساز کارهای مادی که تجسم نظام باورها و رفتارها هستند. خداوند متعال دستور می‌دهد انبیاء و پیروان آنها ولو با گذشتن از جان و مال از ارزش‌های دینی خود محافظ کنند. (نجف لک‌زایی، اقتراح امنیت در اسلام، فصلنامه علوم سیاسی، ش 34، ص 20).

"وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ". نحل/39.

"وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ". ذاریات / 56.

"قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى". سبأ/46.

تعریفی که از ایمان ارائه شد این بود که اعتقاد به اصول اساسی که از جانب خداوند به ما رسیده نیز عمل به دستورات شریعت در پرتو این باورها، کسی که از اعتقاد و عمل الهی برخوردار باشد از اخلاق حسنه نیز برخوردار خواهد بود. چنین کسی در کارها، اعمال و رفتار خویش تابع هوی و غرایز خود نمی‌باشد بلکه اراده، اختیار و آگاهی بر تمام امورات زندگی‌اش حاکم می‌باشد. در صورتی که شخص ایمان داشته باشد پیرو ایمان دارای اخلاق حسنه نیز می‌باشد. وقتی در جامعه‌ای فرد اصلاح شد به تبع جامعه نیز اصلاح می‌شود. و به سعادت و امنیت واقعی می‌رسد. بر این اساس مبانی امنیت در جامعه همان مبانی انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، و غایت‌شناسی الهی است.

نتیجه گیری:

پس در یک نتیجه گیری، با توجه به آیات نکاتی که استخراج میشود عبارتند از اینکه: گروهی از آیات امنیت را ثمره و جزای ایمان می دانند، در دسته‌ای دیگر امنیت به منزله وعده الهی می باشد و به افرادی داده می شود که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند. در دسته‌ای دیگر از آیات گوشزد شده که یاد خداوند و مدد از او شما را به آرامش می رساند و بس. وقتی افراد اعتقاد به خدا و معاد داشته باشند، اعمال صالح انجام می دهند، و از کارهای ناشایست علیه همدیگر پرهیز می نمایند. اعتقاد به توحید باعث می شود که انسانها به همدیگر احترام بگذارند و بر اساس قسط و عدل در جامعه رفتار کنند. دیگر از هوی و هوس های آنی پیروی نمی کند، دزدی، غیبت، تهمت و کارهای ناپسند دیگر را انجام نمی دهد. وقتی ایمان در جامعه‌ای حاکم باشد، حقوق افراد پایمال نمی شود. انسانها به هم محبت می کنند، امر به معروف و نهی از منکر رواج یافته نیز در کارها همکاری می نمایند و هیچ برتری در جامعه وجود ندارد مگر در تقوی و عمل صالح و لذا در چنین جامعه‌ای عدالت و امنیت همه جانبه برقرار می گردد

نتیجه همه این آیات و اعتقاد به آن در واقع یک مطلب است که؛ ایمان علت امنیت بوده و هدف آفرینش انسان قرب الهی می باشد. اعتقاد به خدا در انسان قدرت ایجاد می کند. پس تنها راه نجات و امنیت چنگ زدن به ریسمان الهی می باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، 1368.

الف - کتابها

1. اخوان کاظمی، بهرام، امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران، کانون اندیشه جوان، 1385.
2. اخوان کاظمی، بهرام، عدالت در نظام سیاسی اسلام، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، 1381.
3. بهشتی، سید محمد، خدا از دیدگاه قرآن، تهران: بعثت، بی تا.
4. پاینده، مصطفی، خطوط کلی اخلاق در قرآن، تهران: اسوه، 1373.
5. حسینی خامنه‌ای، سید علی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، قم، نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.
6. حکیمی، محمدرضا، جامعه‌سازی قرآنی، قم: دلیل ما، 1382.
7. دانش‌نامه معارف قرآن.
8. طباطبائی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، مترجم، سید محمدباقر موسوی همدانی، 1363.
9. عبدالله‌خانی، علی، نظریه‌های امنیت، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، 1383.
10. لک‌زایی، نجف، اندیشه سیاسی آیت الله مطهری، قم، بوستان کتاب، 1381.
11. مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، زیر نظر معاونت اجتماعی ناجا، تهران: نیروی انتظامی ج.ا.ا، 1383.
12. مرکز نشر دانشگاهی، مبانی عقیدتی اسلامی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، 1364.
13. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، تهران، صدرا، 1367.
14. مطهری، مرتضی، جهان‌بینی اسلامی، تهران: صدرا، بی تا.

15. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: صدرا، چ دوم، ج 6، 1373.
16. یزدانی مقدم، احمد رضا، ادراکات اعتباری و اندیشه های سیاسی علامه طباطبایی، دانشگاه باقرالعلوم، 1383

ب - مقالات

17. اسلامی، علیرضا، «امنیت در قرآن»، فصلنامه علوم سیاسی، بهار 85، ش 33.
18. افتخاری، اصغر، «امنیت در اسلام»، فصلنامه علوم سیاسی، تابستان 85، ش 34.
19. رالز، جان، عدالت و انصاف و تصمیم گیری تهادنی، مصطفی ملکیان، نقدونظر، سال سوم، بهار و تابستان 76، ش دوم و سوم.
20. سجادی، عبدالقیوم، «امنیت در قرآن»، فصلنامه علوم سیاسی، بهار 85، ش 33.
21. شریعتمدار جزایری، «امنیت در اسلام»، فصلنامه علوم سیاسی، تابستان 85، ش 34.
22. شریعتمدار جزایری، «امنیت در فقه سیاسی شیعه»، فصلنامه علوم سیاسی، تابستان 79، ش 9.
23. عبدالله خانی، علی، «عدالت و امنیت»، فصلنامه علوم سیاسی، بهار 85، ش 33.
24. لک زایی، شریف، «مناسبات امنیت و آزادی از دیدگاه امام خمینی»، فصلنامه علوم سیاسی، تابستان 79، ش 9.
25. لک زایی، نجف، «امنیت در اسلام»، فصلنامه علوم سیاسی، تابستان 85، ش 34.

Archive of SID